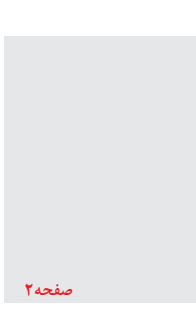




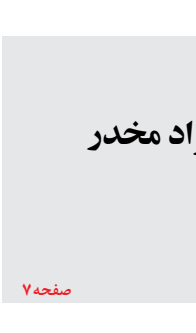
**رئیس دادگاه انقلاب درگذشت**



۲صفحه



**کشف بیش از ۲تن مواد مخدر در پایتخت**



۷صفحه

# مردم سالارکی

حاکمیت حق مردم است

دوشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۰ - ۶صفر ۱۴۴۳ - ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۱ - سال یستم - شماره ۵۵۲۹ - ۱۲ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

**مذاکرات فشرده تهران پیش از نشست شورای حکام به نتیجه رسید**

# توافق ایران و آژانس بین‌المللی اتمی برای تجهیزات نظارتی

**مذاکرات فنی تهران پس از نشست وین با حضور گروسی دنبال می‌شود**

۳صفحه

**منع تردد شبانه در شهرهای دارای واکسیناسیون ۲۴ ساعته برداشته شد**

## پایان طرحی که معلوم نشد برای مقابله با کروناست یا در آمدزایی!

**سرویس اجتماعی –** سعید تهرانی؛ منع تردد شبانه از تصمیمات اولیه و ماندگار کرونایی بود که بیش از بقیه تصمیمات با انتقاد مواجه بود اما تاکنون دوام آورده بود.
عهده‌ای از منتقدان این طرح اعتقاد داشتند که این گونه طرح‌ها مربوط به کشورهایی است که در آنها «زیست شبانه» وجود دارد و مراکز تفریحی شبانه‌ای وجود دارد که محدودیت تردد باعث پیش گیری از ازحادثه در این مراکز و انتقال بیماری می‌شود؛ اما در ایران این گونه طرح‌ها توجیهی ندارد، ضمن اینکه باعث ترافیک در ساعات قبل از اعمال منع تردد هم می‌شود.
اما طرفداران این طرح، هدف از آن را کاهش میهمانی‌های خانوادگی می‌دانستند که معمولاً بعد از غروب برگزار می‌شود و تا پاسی از شب ادامه دارد. این طرح در پایتِز سال گذشته از ساعت ۲۱ تا ۳ صبح اعمال می‌شد اما بعد از چند ماه یک ساعت از آن کاسته شد و فقط در مناطقی مثل شب‌های قدر و ایام برگزاری انتخابات اعمال نمی‌شد.
در این مدت نیز اعلام نشد که آیا واقعا این طرح مفید فایده است و تأثیری در کاهش دوره‌می‌های مردم داشته یا اینکه فقط بر زحمت مردم در این ایام افزوده شده و باعث شده که هر شب عده زیادی از هموطنان جریمه شوند…

۴صفحه

**در گفت‌وگو با مسعود دانشمند، عضو اتاق بازرگانی ایران مطرح شد**

**قیمت گذاری دستوری؛ رانتی برای عده‌ای خاص!**

**ایجاد بازار رقابتی موجب کاهش قیمت‌ها خواهد شد**

۱۰صفحه

**فایننشال تایمز خبر داد**

**احتمال بازگشایی کنسولگری سعودی در مشهد**

**و کنسولگری ایران در جدّه**

**مدارک محرمانه پلیس فدرال درباره تورویست‌های سعودی منتشر شد**

**سانسور نقش عربستان در حملات ۱۱ سپتامبر**

۱۱صفحه

**سر مقاله**



**داریوش قنبری\***

به جز پنجشیر که با مقاومت دلیرانه احمد مسعود و یارانش همراه بوده، افغانستان عملاً به دست طالبان افتاده است؛ اما به نظر می‌رسد طالبان همچنان فشار برای تسخیر پنجشیر را ادامه دهد، چرا که کنترل پنجشیر و تسلط بر آن برای طالبان ضرورت دارد. آنها برای اینکه قدرت خودشان را به جامعه بین‌المللی نشان دهند و از این طریق خواهان شناسایی از طرف جامعه بین‌المللی شوند، نیاز به اشغال یکپارچه افغانستان دارند.

از سوی دیگر واقعیت این است که بسیاری از کشورهای جهان می‌فهمند که رژیم طالبان را به رسمیت بشناسند، حتی کشورهای اروپایی که مدغغه مسائلی مانند حقوق بشر را دارند نیز سبکتال‌هایی را در ارتباط با شناسایی طالبان ارسال کرده‌اند که خواهان مذاکره برای جلوگیری از عدم ایجاد مزاحمت برای مردم بوده‌اند. به هر حال بعید به نظر می‌رسد که جامعه جهانی بخواهد مانند دو دهه قبل اقدامی را در مقابل طالبان انجام دهد. آمریکا و هم‌پیمانانش از افغانستان خارج شدند و دیگر مجالی برای این که دوباره به آنجا بازگردند یا به نوعی در امور افغانستان مداخله نظامی داشته باشند را ندارند. اما واقعیت این استس که این ظاهر قضیه است و داستان طالبان و تسلط طالبان بر افغانستان این سوال را مطرح می‌کند که آیا طالبان با آمریکا قبل از تسلط بر افغانستان مذاکره کرده؛ و آیا محتوای این مذاکرات این بوده است که آمریکا به طالبان در تسلط به افغانستان کمک کند؟

این موضوع با توجه به عدم مقابله ارتش افغانستان با طالبان بعید به نظر نمی‌رسد، به هر حال ارتش افغانستان ۳۰۰ هزار نیروی نظامی داشت و آمریکا تجهیزات فراوانی را در اختیار ارتش افغانستان گذاشته بود و قطعاً این که هیچ مقاومتی در مقابل طالبان نباشد و اشرف غنی به راحتی افغانستان را ترک کرد و کشور را به طالبان واگذار کرد نشانی از معامله پشت پرده دارد. اما این معامله پشت پرده آیا فقط مختص آمریکا بوده یا اروپا هم با آمریکا شریک است؟

هرچند که نمی‌شود به درستی در این مورد اظهار نظر کرد اما آنچه که واضح است این است که آمریکا به خاطر هزینه‌هایی که برای حضور گروه نظامی‌اش در افغانستان داشت نمی‌خواست بیشتر از این در آنجا بماند و از در مذاکره با طالبان درآمد طالبانی که تفکر و ایده‌های محکم سنتنی دارند، صحبت از مذاکره و رابطه با آمریکا می‌کنند و این نشان دهنده این است که از قبل زمینه این چنین مباحثی چیده شده است. از طرفی آمریکا و به دنبال ایجاد یک وضعیت دو ستونی برای تعیین منافعی در افغانستان است، یکی از این ستون‌ها قطر است که منابع مالی را تأمین خواهد کرد و ستون دیگر عربستان، که به نوعی کمک‌های نظامی را تأمین خواهد کرد. می‌توان گفت آمریکا هزینه‌های مالی مانند در افغانستان را از طریق هم

**واقیعت امروز و فردای افغانستان**

پیمانانش فراهم خواهد کرد.

سوال بعدی که مطرح است این است که آینده افغانستان با حضور طالبان به چه سمت و سویی خواهد رفت؟ آیا طالبان ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های آمریکا در منطقه خواهد بود یا در مقابل آمریکا خواهد ایستاد.

مسئله این است که یک طالبان واحد هم وجود ندارد، بخشی از طالبان که اکنون آمریکا با آنها وارد مذاکره شده، طالبان قطر هستند که از لحاظ فکری بازتر عمل می‌کنند و ایده بهتری نسبت به رابطه با آمریکا دارند، اما آن طیف ایدئولوژیک طالبان که سال‌ها در کوه‌های افغانستان بودند و خیلی با مظاهر مدرنیته سازگاری ندارند و طبعاً با آمریکا که مظهر مدرنیسم است مشکل خواهند داشت. بعید است که اینها هم به همان مسیری بروند که طالبان قطر رفتند؛ اما آمریکا کنترل این دسته از طالبان را به نیروهای خودش در افغانستان و کشورهای مانند پاکستان داده است که از حضور نظامی آنها در افغانستان استفاده شود.

ما اخبار صد و نقیضی از حضورنظامی پاکستان در افغانستان و حمله به نیروهای مقاومت شنیدیم. اگرچه خبرها حاکی از حمایت جدی پاکستان از طالبان داشت و ادامه پیدا کرد، با این حال از طرفی پاکستان هم از نظر اقتصادی کشوری نیست که خودش بخواهد هزینه کند و قطعاً نیاز به حمایت کشورهای دیگر برای حمایت نظامی از طالبان دارد. در حال حاضر ما نمی‌دانیم که این منابع مالی توسط قطر تأمین می‌شود یا آمریکا.

این مبرهن است که حتماً بین آمریکا، طالبان و قطر مذاکرات و حمایت‌های لازم صورت گرفته و هر چه که هست این را نشان می‌دهد که طالبان این دفعه با هماهنگی خاصی در افغانستان ظاهر شدند و به نظر نمی‌رسد که به راحتی نیروهای مقاومت بتوانند در مقابل آنها بایستند، هرچند احمد مسعود اعلام کرده که مقاومت را به شکل جنگ پارتیزانی دنبال خواهد کرد اما بعید به نظر می‌رسد که تضعیف قدرت طالبان به نتیجه برسد. با توجه به امکانات و تجهیزات نظامی که آمریکا برای ارتش افغانستان به‌جای‌گذاشته، طالبان از نظر نظامی برتری دارند. در این میان یک سری حرکات نیز به صورت مدنی توسط زنان در افغانستان شروع شده که خواهان حقوق خودشان هستند. سوال اینجاست که تا چه اندازه این حرکت‌ها می‌تواند موفقیت آمیز باشد؟

آنچه که جلب توجه می‌کند این است که درصد خانم‌هایی که دنبال حقوق خود هستند در افغانستان خیلی زیاد و فراگیر نیست و از طرفی با توجه به اینکه جامعه افغانستان بیشتر یک جامعه سنتی است هرچند که در طی سالیان گذشته مظاهری از مدرنیسم هم از آن عبور کرده اما مشخص نیست که خواسته‌های آنها تا چه اندازه دارای پایگاه قوی مردمی باشد. آیا فقط محدود به مطالبات زنان در چند شهر بزرگ افغانستان است یا خواست عمومی زنان است؟ جامعه افغانستان جامعه‌ای ترکیبی از نیروهای سنتنی را در خود دارد و این نیروهای سنتنی نیز ممکن است تا حدودی در مورد مسئله زنان همسو با خواسته‌های طالبان باشند. بنابراین به نظر نمی‌رسد که این حرکات مدنی افغانستان به

نتیجه برسد. می‌بینیم که طالبان بدون مانع خاصی و خیلی راحت توانستند سلطه خود را بر افغانستان برقرار کنند و اکنون دنبال تشکیل دولت خود هستند و مقدمات آن را نیز فراهم کرده‌اند. با تشکیل دولت، استحکام قدرت آنها بیشتر خواهد شد و این که نیروهای مقاومت بتوانند به راحتی آنها را کنار بگذارند فعلاً رویایی بیش نیست.

در ارتباط با سیاست کشورهایی مانند ایران و بعضی از کشورهای همسایه باید گفت که تا حدود زیادی منفعلانه عمل کردند و نسبت به طالبان بی‌تفاوت بودند. این سیاست منفعلانه به نفع طالبان تمام شد. البته برای کشوری مانند ایران خروج آمریکا از افغانستان خیلی با اهمیت بود و شاید در ابتدای تسلط طالبان و خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان نوعی شادی در بین بعضی از سیاسیون ایرانی دیده می‌شد که البته این خوشحالی با تسلط طالبان تبدیل به نگرانی شد. به هر حال ایران در شرایط فعلی راهی جز کنار آمدن با طالبان ندارد.

براساس بعضی دیدگاه‌ها، طالبان همان تفکر سابق را دارند و تغییری نکرده‌اند. قسط مدداری انعطاف نسبت به گذشته پیدا کرده‌اند. ایران باید از این وضعیت انفعالی خارج شود در راستای امنیت و شیبغان و اقوام فارسی زبان در افغانستان گفتگوهای را داشته باشد. ایران نمی‌تواند نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد زیرا فشار طالبان بر آنها باعث مهاجرت آنها به کشورهای دیگر خواهد شد که مشکلات زیادی را به همراه خواهد داشت. بنابراین چاره‌ای جز گفت‌وگو برای ایران نمانده است. اما این گفت‌وگو چه نتیجه‌ای می‌تواند به دنبال داشته باشد؟ اگر طالبان بخواهند ابزار سیاست‌های آمریکا در منطقه باشند. اگر در مذاکراتی که طالبان قبلاً با آمریکا داشته برای پیشبرد منافع آمریکا در منطقه هماهنگ شده باشند و درواقع اهرمی برای سیاست‌های آمریکا در منطقه باشند، برای کشورهایی مانند چین و ایران در آینده مشکل ایجاد خواهد شد. چین هم از این لحاظ با مشکل مواجه می‌شود که طالبان بخواهند در مسلمانان ایالت سین کیانگ از اوینغرها حمایت کنند که البته این یک احتمال استس که آمریکا به دنبال فشار از طریق رادیکالیسم اسلامی به چین است. چین کشوری است که جمعیتی متسجم دارد و از نظر نژادی همه یک نژاد واحد هستند و تنها پاشنه آشیل چین از لحاظ وحدت ملی بی‌بحث اوینغرها و مسلمانان است که در سال‌های اخیر نیز مشکلاتی را برای چین ایجاد کرده‌اند و خود چین هم فشارهایی را به آنها وارد کرده که از دیدگاه جامعه بین‌المللی مقبول نبوده. اینکه روابط همسایگان با طالبان در آینده به چه شکلی خواهد بود تا حدود زیادی بستگی به این دارد که طالبان تا چه اندازه بخواهند به عنوان ابزار سیاست‌های آمریکا عمل کنند یا تا چه اندازه بخواهند مستقل عمل کنند. اگر بخواهند مستقل عمل کنند به نظر می‌رسد همسایگان بتوانند با آنها کنار بیایند تا حدی که منافع آنها توسط طالبان به چالش کشیده نشود اما اگر وابسته باشند قطعاً مشکلات زیادی را ایجاد خواهند کرد که در شرایط فعلی احتمال وابستگی آنها به آمریکا بیشتر جلب توجه می‌کند.

**\*عضو شورای مرکزی حزب مردم سالاری**

**یادداشت**



**سید حسن امین**

افغانستان به تعبیر من بخشی از ایران بزرگ تاریخی و فرهنگی و به زبان دیپلماسی و به لحاظ استقلال کنونی آن به عنوان یک ملت -دولت، بخشی از حوزه تمدنی مشترک کشورهای حوزه نوروز است. از همه این مشترکات که بگذریم ما همسایه نزدیک یکدیگریم و در بد و نیک هم

را داریم و تغییر سی نکرده‌اند. قسط مدداری انعطاف اگر معیار ایران در برخورد با طالبان، اصول و قواعد بازی حسن همجواری و روابط بین‌الملل باشد، طالبان نمی‌تواند مدغغه دولت و ملت ایران اکثریت شهروندان افغان بر پایه اصول حاکمیت ملی نیست. در افغانستان نه همه پرسی شده است، نه مجلس موسسان تشکیل شده، نه

**یادداشت**



**احمد چمران**

نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با حضور ۳۵ عضو این شورا در وین آغاز شده و به گفته دیپلمات‌ها موضوع ایران و برجام در کانون توجه این نشست قرار دارد.

این جلسه در حالی برگزار می‌شود که در خردادماه دور ششم مذاکرات وین بدون نتیجه به پایان رسید و از آن زمان ۴ماه است که صندلی‌های پشت میز مذاکره گراند هتل خالیست. انتخابات ریاست جمهوری ایران نیز به سرانجام رسیده، اما هنوز هیچ چشم‌اندازی برای ادامهٔ مذاکرات و مهمتر از آن به نتیجه رسیدن آن دیده نمی‌شود.

شامگاه ۱۶شهریور آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش خود را ارائه کرد و از اصطلاح «سنگ اندازی در مذاکرات اژانس (در گزارش منتشر شده) است که فرانسه نیز گزارش آژانس را «شدیداللعن» عنوان کرد که در آن وظایف نظارتی ایران را «به‌طور جدی متزلزل» شده است.

رابرت مالی، نمایندهٔ ویژهٔ وزارت خارجهٔ آمریکا نیز به مسکو و پاریس سفر کرد که کارشناسان احتمال می‌دهند در حال هماهنگی برای صدور یک قطعنامه واقعی بودن این شعار واقف هستند، اما چون نمی‌خواهند مسئولیت عدم رفع تحریم را هم بپذیرند، چنین شعارهایی می‌دهند. اما انتظار از دولت سیزدهم این است که با تالیسم سیاسی و نگاهی از منظر بالاتر به تمامی زوایا و احتمالات، هم پیامدهای خطرناک نرسیدن به یک توافق و بر هم خوردن میز مذاکرات وین را در نظر بگیرد؛ هم سرانجام احتمال ارجاع پروندهٔ کشورمان به شورای امنیت؛ هم وضعیت بحرانی اقتصاد کشور و معیشت مردم.

چرا که به موضوع پی‌ام‌دی (ابعاد احتمالی نظامی برنامهٔ هسته‌ای ایران) بر می‌گردد. همان ادعایی که دو دهه پیش با آن پروندهٔ ایران را به شورای امنیت ارجاع دادند، ذیل فصل ۷ منشور ملل متحد بردند و ۶ قطعنامه تحریمی علیه کشورمان صادر کردند. اکنون از گزارش آژانس بوی مطرح کردن دوبارهٔ پی‌ام‌دی به مشام می‌رسد؛ و این یعنی دسیسه‌ای جدید برای آغاز روندی خطرناک که می‌تواند پروندهٔ کشورمان را دوباره در مجاری شورای امنیت، تحریم و زیر

تحرکات ایران را زیر نظر داشت و رصد می‌کرد، اما امروز و در آینده، طالبان نمی‌تواند به همان درجه از دقت و کیفیت موی دماغ نیروهای مسلح ایران باشد.

من خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را به مسود ایران می‌دانم ولی پرسیدن این خلأّ به وسیله طالبان را نیز با شگون نمی‌بینم. به هر حال، همکاری با طالبان بلکه سکوت در برابر ایشان، توجیه انسانی و اخلاقی و حقوقی ندارد و از جهت استراتژیک هم در دراز مدت با توجه به ایدئولوژی

و تعصبات کور این طایفه ناموجه است. افغانستان، قانون اساسی مدونی دارد. مادام که آن قانون در فرایند قانونی عوض نشده باشد، باید در داخل و خارج حیطه حکومت طالبان رعایت شود.

زور و سلطه ایجاد حق نمی‌کند و آینده افغانستان باید بر اساس قوانین اساسی و عادی با تأمین حقوق همه شهروندان بدون هر گونه تبعیض نژادی، قومیتی، زبانی و مذهبی شکل بگیرد.

ضرب چماق حملهٔ نظامی قرار دهد.

در چنین وضعیت بفرنجی، هنوز دولت آقای رئیسی سیاست روشنی دربارهٔ برجام مشخص نکرده است. مقامات دولت از یک طرف می‌گویند خواهان مذاکره هستند و از طرفی دیگری می‌گویند «مذاکره‌ای که به رفغ تمامی تحریم‌ها بینجامد». در دنیای سیاست این فرهنگی دوگانه است و طرف‌های مختلف از آن پالس سردرگمی می‌گیرند، چرا که «جمع ضدین محال است» و در این مورد مشخص (مذاکرات وین) نمی‌توان انتظار رفغ کامل تحریم‌ها، بدون انعطاف اصولی از طرف ایران را داشت. انعطافی که باعث شود طرف مقابل هم حاضر به دادن امتیاز رفغ تحریم و بلوکه کردن ارجاع پروندهٔ کشورمان به شورای امنیت شود.

اما چرا موضوع ایران تا این لحظه مبهم و همراه با دوگانه‌گویی است؟ مشکل، برخی مسائل در مسیر رسیدن به یک توافق برد-برد است. اینکه ما انتظار داشته باشیم وارد مذاکره‌ای شویم که تنها در یافت کیم و امتیاز بگیریم، در دنیای امروز وهم و خیالی بیش نیست. چرا که اصولاً مذاکره و گفتگو یعنی «بده و بستان». اما هستند افرادی که با اشراف به این واقعیت، با شعار‌های بر مطلقار از دریافت یک سوسیه حرف می‌زنند، درحالی که خودشان هم به غیر واقعی بودن این شعار واقف هستند، اما چون نمی‌خواهند مسئولیت عدم رفغ تحریم را هم بپذیرند، چنین شعارهایی می‌دهند.

اما انتظار از دولت سیزدهم این است که با تالیسم سیاسی و نگاهی از منظر بالاتر به تمامی زوایا و احتمالات، هم پیامدهای خطرناک نرسیدن به یک توافق و بر هم خوردن میز مذاکرات وین را در نظر بگیرد؛ هم سرانجام احتمال ارجاع پروندهٔ کشورمان به شورای امنیت؛ هم وضعیت بحرانی اقتصاد کشور و معیشت مردم.

**حجت‌الاسلام والمسلمین**

**جناب آقای محمد اشرفی اصفهانی**

درگذشت همشیره مکرمه‌تان را خدمت شما و خاندان محترم و فرزندان آن مرحومه صمیمانه تسلیت گفته و از خدای مهربان علو درجات آن مرحومه و همسواری با پدر بزرگوارش آیتالله شهید اشرفی اصفهانی را مسألت می‌نمایم و برای کلیه بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل و سلامتی مسألت دارم.

**مصطفی کواکبیان**